

وهابیت و حرمت سفر برای زیارت قبور

## وهابیت و حرمت سفر برای زیارت قبور

مسلمانان تا قرن‌ها بر استحباب زیارت قبور پیامبر (صلی الله علیه و آله) و صالحین اجماع داشته‌اند. اولین کسی که علم مخالفت با این اجماع مسلمین را برافراشت، ابن تیمیه بود. وی با تکیه بر روایت «شد رحال»، بار سفر بستن به قصد زیارت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را حرام می‌شمارد و سفر به چنین نیتی را سفر معصیت می‌دانند. وهابیان نیز به تبع ابن تیمیه این روش را در پیش گرفتند، در حالی که این استدلال به دلیل این که بر مبنای فهم غلط نهاده شده، مردود است. در مقاله حاضر حدیث «شد رحال» بررسی و نقد خواهد شد.

مسلمانان، قرن‌ها بر استحباب زیارت قبور مؤمنین، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و پیشوایان دینی خویش اتفاق نظر داشته، و بلکه بر استحباب زیارت قبور اجماع کرده‌اند. در این میان فقط ابن تیمیه و وهابیان و سلفیان زیارت قبور و سفر برای آن را شرک پنداشته‌اند. اولین کسی که برچم مخالفت با این سنت دیرینه اسلامی را برافراشت و آنرا بدعت و نماد مخالفت با شرع، برشمرد؛ ابن تیمیه از پایه‌گذاران فکری و معنوی وهابیت، و شیخ اعظم این فرقه گمراه است. چنانکه وی با نقل حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) به نقل از ابوهریره به مخالفت اجماع مسلمانان برخاسته و می‌گوید:

«شیطان، کردار زشت را بر مردم نیک می‌نماید و آنان از سفر، رضایت غیر خدا را می‌جویند و به غیر او شوق می‌ورزند و بار سفر به سوی قبر پیامبر یا صحابه و صالحان بر می‌بندند.» (1).

در این گفتار برآنیم تا با ارائه دلایلی دقیق و متقن، مبنای ضعف استدلال و بنیانهای پوچ و بی‌اساس آرایش استدلالی وهابیت نسبت به این موضوع را اثبات نموده و ضعف دیدگاه روایی و فقهی آنان را بر همگان روشن و آشکارا سازیم.

### شد رحال

شبهه شدرحال یا سفر کردن برای زیارت قبور، از جمله شبهه‌هایی است که وهابیان با استمساک به آن رفتار امت اسلامی را به رفتار مشرکانه متهم ساخته و در نتیجه مسلمانان را مشرک، کافر و یا مرتد می‌خوانند. زیربنای این شبهه نیز مانند برخی از شبهات دیگر این گروه، ریشه در کلیشه‌انگاری و تنگ‌نظری آنان در مواجهه با روایات و برخورد گزینشی و سلیقه‌ای نسبت به برخی از روایات، و عدم التفات و طرح برخی دیگر از روایات دارد.

از جمله این روایات که زمینه اشکال تراشی وهابیان را نسبت به امت اسلامی ایجاد نموده است، روایت شد رحال است که در کتب حدیثی اهل سنت با دو نقل متفاوت بیان شده است. نقل اول روایت: «لَا تَشُدُّوْا الرِّحَالَ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: مَسْجِدِ هَذَا وَ مَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ الْأُقْصَى.» (2) و نقل دوم روایت: «إِنَّمَا يُسَافِرُ إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: مَسْجِدِ الْكَعْبَةِ وَ مَسْجِدِ وَ مَسْجِدِ اَيْلَمِيَا.» (3)

ابن تیمیه به ظاهر این عبارات استناد جسته و بر آن رفته است که سفرهای عبادی، تنها به سه جا روا است و زیارت قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) در شمار آنها نیست و بدین روی نه تنها زیارت قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) مستحب نیست، بلکه مشروعیت نیز ندارد؛ زیرا در

نهی همان حضرت وارد است.

مسلمانان، قرن ها بر استحباب زیارت قبور مؤمنین، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و پیشوایان دینی خویش اتفاق نظر داشته، و بلکه بر استحباب زیارت قبور اجماع کرده اند. در این میان فقط ابن تیمیه و وهابیان و سلفیان زیارت قبور و سفر برای آن را شرک پنداشته اند وهابیان بر مبنای استدلال ابن تیمیه به این روایت بار سفر بستن به قصد زیارت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را حرام می شمارند و سفر به چنین نیتی را سفر معصیت می دانند در حالی که این استدلال به دلیل این که بر مبنای فهم غلط نهاده شده، مردود است و حدیث و استدلال آن را در ادامه این گفتار بیان خواهیم کرد.

### پاسخ به اشکال مسافرت برای زیارت قبور

آنچه در توضیح و بررسی این حدیث ضروری می نماید اینست که عبارت « لا تشدوا الرحال إلا إلی ثلاثة مساجد... » بر اساس اسلوب معروف نزد اهل لغت، به صورت استثنا آمده است. و اقتضای آن وجود مستثنی و مستثنی منه در کلام است. چنانکه مشهور و معمول است مستثنی بعد از « الا » و مستثنی منه قبل از آن، به صورت ظاهری و یا تقدیری می آید، و این از ساده ترین مسائل کتب نحوی است. با توجه به این قاعده ساده زبان عربی، هنگامیکه به این روایت می نگریم، مشاهده می کنیم که با اینکه در عبارت تصریح به مستثنی شده است « ثلاثة مساجد »؛ اما ذکری از مستثنی منه قبل از الا نمی باشد، بنابراین باید آن را تقدیر گرفت. بنابر این چند فرض را درباره مستثنی منه می توان مطرح نمود:

1- چنانچه بنابر نظر وهابیت اگر مستثنی منه مقدر را « قبر » بگیریم روایت منسوب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) چنین می شود: « لا تشدوا الرحال إلی قبر إلا ثلاثة مساجد » و چنین سیاقی ناهماهنگ بوده و شایسته بلاغت نبوی نمی باشد، چراکه مستثنی از زمره و جنس مستثنی منه نیست و اصل این است که مستثنی از جنس مستثنی منه باشد که در این صورت جایز نیست که قبر را به عنوان مستثنی منه منظور نماییم.

2- چنانچه « مستثنی منه » مقدر را مطلق « مکان » فرض کنیم بنابراین فرض روایت چنین می شود: « لا تشدوا الرحال إلی مکان إلا إلی ثلاثة مساجد » که معنی روایت چنین می شود که برای هیچ چیزی چه تجارت، چه علم، چه انجام امور خیر بار سفر بستن جایز نیست و فقط برای این سه مسجد جایز است. و چنین تعبیری به گواه عقل و آیات قرآن نظیر، باطل و مخدوش است.

حضرت محمد

3- احتمال سوم اینست که مستثنی منه در این حدیث، مسجد باشد، که در این صورت معنای حدیث چنین می شود. قسطلانی در ارشاد الساری(4)، تأکید دارد که مراد مسجد است. بنابراین، هیچ دلالتی بر حرمت قصد زیارت مشاهد متبرکه ندارد. ضمناً بر فرض تقدیر کلمه مسجد در عبارت نیز این حدیث در مورد خودش نیز مورد عمل نیست، چرا که مضمون این روایت مخالفتی آشکار با سیره و روش پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم گرامی دارد که به طور قطع هر شنبه به مسجد قبا می رفتند، مخالف است.

این در حالیست که این مضمون در کتابهای معتبر اهل سنت به صورتهای گوناگونی وارد شده است که با ارائه قرائنی عبارت فوق رانقض نموده و با تصریح به مستثنی منه محذوف در متن حدیث، دامنه مفهومی فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را روشن و آشکار می سازد. از آن جمله روایتی که امام احمد از طریق « شهر بن جوشب » نقل کرده است که می گوید: نزد ابوسعید خدری از نماز در کوه طور سخن گفتم، او گفت از حضرت رسول (صلی الله علیه

وآله ( شنیدم: « لا ینبغی للمطی أن تشدّ رحالها إلى مسجد ینتغی فیہ الصلاة غیر مسجدی هذا والمسجد الحرام والمسجد الأقصى ». (5) سزاوار نیست که بار سفر برای مسجدی که نمازخواندن در آن سزاوار است بسته شود، مگر سه مسجد: مسجدالحرام، مسجدالأقصى و مسجد من.

احمد زینی دحلان نیز به نقل از ابن حجر عسقلانی (6) در باره این حدیث می گوید: مشهور این است که حدیث حسن است، اگرچه برخی ضعف ها در آن دیده شده است. (7) از جمله احادیثی که موید مفهوم صحیح این حدیث می باشد، روایتی از عایشه است که می گوید پیامبر ( صلی الله علیه وآله ) فرمود: « أنا خاتم الأنبياء ومسجدی خاتم مساجد الأنبياء، أحق المساجد أن یزار و تشدّ إليه الرواحل: المسجد الحرام و مسجدی، صلاة فی مسجدی أفضل من ألف صلاة فیما سواه من المساجد إلا المسجد الحرام » (8) سخن پیامبر ( صلی الله علیه وآله ) در مورد مساجد برای امت روشن می سازد که سایر مساجد غیر از این سه مسجد در فضیلت برابر هستند بنابراین سختی کشیدن در سفر به آن مساجد فایده ای ندارد، اما این مساجد دارای فضیلت هستند از همین رو بسیاری از علما و اندیشمندان بزرگ اهل سنت به استدلال غیر کارشناسانه ابن تیمیه، و نتیجه گیری غرض ورزانه وی نسبت به این روایت خرده گرفته و وی را مورد تخطئه و نکوهش قرا می دهند.

از آن جمله محمدبن احمد قسطلانی از دانشمندان قرن هشتم و نهم هجری با خرده گیری به استدلال ابن تیمیه در این حدیث می گوید: «قول ابن تیمیة حیث منع زیارة قبر النبی(صلى الله علیه و آله) وَهُوَ مِنْ أْبشَعِ المسائل المنقولة عنه». (9) گفتار ابن تیمیه در منع زیارت قبر رسول خدا(صلى الله علیه و آله) از بدترین مسائلی است که از او نقل شده است.

ابوحامد غزالی نیز در همین راستا با بیان سیره مسلمین و ذکر فتوای خویش می گوید: «کلّ من یتبرک بمشاهدته(صلى الله علیه و آله) فی حیاته، یتبرک بزيارته بعد وفاته ویجوز شدّالرحال لهذا الغرض». (10)

هرکس پیامبر را در حال حیات می دید و متبرک می شد، بعد از وفات ایشان نیز با زیارت حضرت از ایشان متبرک می شود و کوچ کردن به قصد زیارت پیامبر نیز جایز است.

#### نتیجه:

بنابراین سخن پیامبر ( صلی الله علیه وآله ) در مورد مساجد برای امت روشن می سازد که سایر مساجد غیر از این سه مسجد در فضیلت برابر هستند بنابراین سختی کشیدن در سفر به آن مساجد فایده ای ندارد، اما این مساجد دارای فضیلت هستند؛ بنابراین استنباط مبتنی بر برداشت شخصی و بسط و قبض درنقل مضمون در این دست ازروایات نوعی دروغ بستن بر رسول خداست.

#### پی نوشت:

- 1- اقتضاء الصراط المستقیم مخالفة اهل الجحیم، ص 457، به نقل از الجوامع و الفوارق بین السنّة و الشیعة، 277
- 2- صحیح مسلم، ج4، ص 126
- 3- همان
- 4- ارشاد الساری لشرح الصحیح البخاری، ج2، ص332
- 5- مسند احمد، ج 3، ص 64

- 6- فتح الباری، ج3، ص65
- 7- الدرر السنیه فی الرد علی الوهابیه، ص6
- 8- مجمع الزوائد هیثمی، ج4، ص3
- 9- ارشاد الساری لشرح الصحیح البخاری، ج2، ص329
- 10- احیاء العلوم، ج1، ص258